

فصلنامه راهبرد سیاسی

سال پنجم، شماره ۳، پیاپی ۱۸، پاییز ۱۴۰۰

صفحات: ۱۵۴-۱۳۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵

نوع مقاله: پژوهشی

شکاف مرکز- پیرامون و رفتار انتخابات دهم ریاست جمهوری در ایران

محمد یوسفی جویباری* / مجید نجات پور** / مجتبی میری***

چکیده

هدف این مقاله تبیین رابطه شکاف مرکز-پیرامون با انتخابات دهم ریاست جمهوری (۱۳۸۸) در ایران است. برای نیل به این هدف ابتدا به بررسی تأثیرگذاری شکافهای اجتماعی بر انتخابات و رفتار انتخاباتی پرداخته می‌شود، سپس به درک چگونگی تأثیرگذاری شکاف مرکز- پیرامون بر انتخابات ریاست جمهوری دهم در ایران پرداخته شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که اقدامات دولت‌های گذشته که باعث عدم توجه به فرودستان جامعه شده و در مقابل اقدامات دولت احمدی‌نژاد بین سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ باعث شکل‌گیری پایگاه اجتماعی برای آنها در طبقه فرودست جامعه شده و همین پایگاه سبب پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات دهم ریاست جمهوری در مقابل رقیبان که از پایگاه اجتماعی شهری برخوردار بوده‌اند، شده است. همچنین این نتایج نشان می‌دهد که بیشترین آراء احمدی‌نژاد در مناطق فرودست و پیرامونی جامعه بوده و هرچه از سمت مرکز به سمت پیرامون دور می‌شویم درصد آراء احمدی‌نژاد بیشتر می‌شود. اثرگذاری شکاف مرکز-پیرامون در انتخابات و رفتار انتخاباتی مردم و پیروزی احمدی‌نژاد نتیجه اقداماتی از قبیل پایگاه اجتماعی پیرامونی دولت احمدی‌نژاد، دو قطبی طبقاتی-جغرافیایی در انتخابات و اقدامات دولت مثل سهام عدالت، مسکن مهر و تخصیص بودجه عمرانی به استانهای محروم می‌باشد.

کلید واژه‌ها

ایران، انتخابات، شکافهای اجتماعی، شکاف مرکز- پیرامون، رفتار انتخاباتی.

* استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشکده حقوق، علوم سیاسی و الهیات، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
sayehsar.yousefi@gmail.com

** دانش آموخته دکتری علوم سیاسی و مدرس دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

*** دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

مقدمه

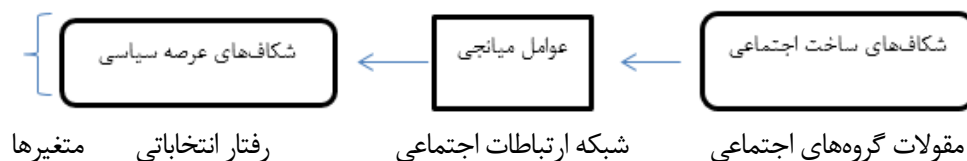
مشارکت سیاسی از جایگاه ویژه‌ای در مباحث جامعه‌شناسی سیاسی به طور عام و جامعه‌شناسی سیاسی انتخابات به طور خاص برخوردار است. در این راستا رأی دهی و مشارکت در انتخابات آشکارترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم‌سالار و دموکراتیک بوده تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اختصاصی اعمال کنند. نقش شگفت‌انگیز انتخابات در سرنوشت کشورها اهمیت بررسی و تحلیل رفتار و الگوی انتخابات و توجه به عوامل تأثیرگذار در انتخابات و رفتار انتخاباتی را در جوامع مختلف دوچندان کرده است. در این میان شکاف‌های اجتماعی در انتخابات و رفتار انتخاباتی تأثیر قابل توجهی دارند. تأثیرگذار شکاف‌های انتخاباتی در رفتار انتخاباتی مورد بررسی نهادهای مختلفی از جمله دانشگاه میشیگان و دانشگاه کلمبیا واقع شده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انتخابات از مهمترین مؤلفه‌های نظام سیاسی و یکی از مهمترین راه‌های مشارکت سیاسی شهروندان در جامعه می‌باشد. در این بین انتخابات ریاست جمهوری به دلیل شرایط خاص کشور و جایگاه مهم ریاست جمهوری از جایگاه مهمی برخوردار می‌باشد. با توجه به اهمیت مسأله انتخابات در ایران و تأثیر آن در فضا داخلی و بین‌المللی و همچنین اثرگذار شکاف‌های اجتماعی در جوامع در حال گذاری چون ایران این مقاله می‌کوشد نسبت بین شکاف مرکز-پیرامون با انتخابات دهم ریاست جمهوری را بسنجد. به عبارت دیگر می‌کوشد به این سوال پاسخ دهد که چه نسبتی بین شکاف مرکز-پیرامون و انتخابات دهم ریاست جمهوری وجود دارد؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤال مطرح شده و در طول مقاله اثبات می‌گردد عبارت است از آنکه به دلیل محرومیت نسبی مناطق حاشیه‌ای و عدم توجه دولت نسبت به پیرامون بعد از انقلاب این مناطق به حاشیه رفته و عملاً در سیاست ایران دخیل نبوده‌اند. با روی کار آمدن دولت نهم و توجه به این مناطق، عملکرد دولت در مناطق پیرامونی باعث جلب آرای این مناطق در انتخابات دهم ریاست جمهوری شده و به نوعی شکاف مرکز-پیرامون در انتخابات دهم از بالقوه به فعلیت می‌رسد.

۱. چهارچوب نظری:

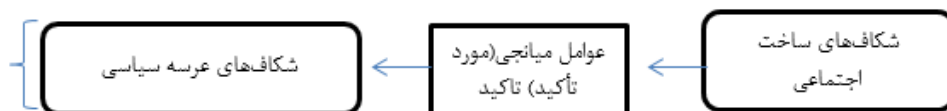
زندگی سیاسی در هر کشور به طرق مختلف تحت تأثیر شکاف‌های موجود در آن جامعه قرار گرفته است. بر این اساس شناخت شکاف‌های موجود در جامعه از اهمیت اساسی برخوردار است. مفهوم شکاف در

جامعه‌شناسی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. دلیل این مدعا این است که شکاف‌های اجتماعی در بطن مناسبات جامعه و سیاست قرار دارند. مهم‌تر اینکه در کانون توزیع و تخصیص قدرت هستند و این خود سبب تأثیر در رفتار انتخاباتی که یکی از حوزه‌های اصلی جامعه‌شناسی می‌باشد (Marshall, 1996: 401). شکاف در جامعه‌شناسی معاصر برای آن دسته از تمایزات و تفاوت‌های پایداری مورد استفاده قرار گرفته که در جریان مبارزات انتخاباتی و رفتار رأی‌دهی مشاهده می‌شود (Manzaco, Brooks, 1999). اما مفهوم شکاف از جامعه‌شناسان کلاسیک و خصوصاً کارل مارکس، دورکیم و وبر شروع می‌شود. هسته کار این سه متفکر بزرگ تحلیل زندگی مدرن و روشن کردن مرزهای تمایز آن از زندگی سنتی بود. مارکس با تحلیل طبقاتی تاریخ، تأثیر ساخت اجتماعی را از طریق شکاف‌های طبقاتی بر سیاست و دولت یاد آور می‌شود. به نظر مارکس از آنجا که ستیز طبقاتی در بطن جامعه وجود دارد، سیاست نیز متضمن تنش و تعارض ناشی از آن است. از این رو به نظر مارکس ساخت دولت و منازعات، شکاف‌های اجتماعی و طبقات است. و بر علاوه بر مفهوم طبقه مفهوم گروه‌های منزلتی و عامل سازمانی (احزاب) را مطرح می‌کند. وبر در کنار شکاف‌های مادی (طبقاتی) به شکاف‌های منزلتی و سیاسی (حزبی) هم بها داد و تأثیر کلی آن‌ها را بر سیاست و دولت مورد توجه قرار داد (بشیریه و قاضیان، ۱۳۸۰). اهمیت شکاف‌های اجتماعی در زندگی اجتماعی و تأثیر آن بر رفتار انتخاباتی از اهمیت اساسی در زندگی اجتماعی و سیاسی برخوردار است. از نخستین پژوهش‌های در زمینه شکاف و رفتار انتخاباتی در آثار لازارسفلد و همکارانش در دانشگاه کلمبیا است. آنان از شکاف و تعارضات مذهبی، طبقاتی، مرکز و پیرامون برای توضیح رفتار انتخاباتی سود جستند. مطالعه مکتب کلمبیا معطوف به گروه‌های اجتماعی است. این شکاف از طریق عناصر میانی که نقش کاتالیزور را داشته‌اند بر سیاست و رفتار انتخاباتی اثر می‌گذارند (بشیریه و قاضیان، ۱۳۸۰: ۲۸).

مفاهیم



پس از کارهای مکتب کلمبیا در دانشگاه میشیگان نیز در مورد شکاف و رفتار انتخاباتی تحقیقاتی صورت گرفت. این تحقیقات که در حوزه روان شناسی جای دارند تأکید بر هویت حزبی را در رفتار انتخاباتی افراد مهم می‌دانند.



مقولات گروه‌های اجتماعی شبکه ارتباطات اجتماعی رفتار انتخاباتی متغیرها

اما یکی از مهمترین کارها در این زمینه را لیپست همراه با راکان انجام داده اند، آنها معتقداند که شکاف‌های اجتماعی حاصل تحولات تاریخی مستمری هستند که متأثر از دو انقلاب همزاد یعنی انقلاب صنعتی و انقلاب‌های ملی در اروپا می‌باشند. آنها معتقد به تیپولوژی خاصی برای شکاف‌ها می‌باشند. به نظر آن دو از میان مبادلات سیاسی آنچه که اهمیت دارد رابطه میان وفاداری، همبستگی و التزام سیاسی گروه‌ها است. لیپست و راکان تنها وقتی شکاف‌ها را واجد اهمیت سیاسی می‌دانند که گروه‌ها درک روشنی از تفاوت‌ها و تضادهای بین خود و سایر گروه‌ها به دست آورده باشند و این خود در نظام سیاسی به صورت نهادی درآمده باشد. و این دو شرط در کالبد احزاب سیاسی تجسم می‌یابند (دورمانگن و موشار، ۱۳۸۹: ۲۲۶). از جمله جامعه‌شناسان دیگری که به تأثیر شکاف در رفتار انتخاباتی پرداخته‌اند فرانکلی و همکارانش هستند. آنها معتقداند که در مطالعه رفتار انتخاباتی، شکاف‌های سیاسی باید از اساس به عنوان شکاف‌هایی که بازتاب دهنده تقسیمات یا شکاف‌های اجتماعی است، در نظر گرفته شود. ساخت این شکاف باید برحسب گروه‌های اجتماعی و وفاداری اعضای آنها به گروه مورد بررسی قرارگیرد (Franklin, 1978: 4-5). با مطالعه تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر انتخابات، با بررسی شکاف‌های اجتماعی در ایران به نقش مهمترین شکاف تأثیرگذار بر انتخابات دهم ریاست جمهوری در ایران می‌پردازیم. جامعه ایرانی به دلیل پیچیدگی و شرایط گذار خود هم دارای شکاف‌های جوامع مدرن و هم شکاف‌های جوامع سنتی می‌باشد. بررسی نقش شکاف‌های اجتماعی در انتخابات ایران از تأثیرگذار بودن شکاف مرکز-پیرامون انتخابات دهم در ایران حکایت می‌کند. شکاف مرکز- پیرامون عنوان می‌دارد که مرکز به مثابه کانون قدرت، هدایت و سلطه، محل تجمع و تمرکز آراء و اندیشه‌ها، پیشرفت علمی و فناوری، سرمایه و نیز کانون توسعه بشمار می‌آید و در مقابل، پیرامون، به مثابه فراهم‌کننده منابع تأمین نیازهای مرکز،

جایگاهی کاملاً وابسته دارد. کانونهای شهری در این مدل از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و نه تنها به‌عنوان عامل وحدت بخش فضایی عمل می‌کنند، بلکه کانون به جریان انداختن نوآوری، اطلاعات، فنآوری، مدیریت و توسعه بشمار می‌روند. مدل مرکز- پیرامون به‌عنوان مدلی برای بررسی نحوه سازمان‌پذیری فضای فعالیت انسانی مبتنی بر توزیع نامتعادل و نابرابر قدرت اقتصادی و اجتماعی در مقیاسهای متفاوت (ملی، ناحیه‌ای و منطقه‌ای) نیز قابل بررسی است. در همین ارتباط، و در تبیین روابط شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک، شهر و روستا، شهرهای بزرگ و مراکز تجمع فعالیتهای اقتصادی (عمدتاً صنعتی- تجاری) به‌عنوان مرکز و حوزه‌های روستایی پیرامونی به‌عنوان حاشیه/ پیرامون مطرح می‌شوند (دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، ۱۳۸۷). این روابط نابرابر در بسیاری موارد، با اتخاذ رهنمودهای خاص اقتصادی- تجاری که به نفع مرکز تمام می‌شود، در کشورهای جهان سوم، رابطه شهر و روستا میراث الگویی سود جویانه است و شهرها مراکز جذب و روستاها مراکز دفع می‌باشند. بررسی شکاف مرکز- پیرامون برای بررسی اثر آن در انتخابات دهم ریاست جمهوری بدین دلیل می‌تواند برای جامعه ایران مناسب باشد که دولتها در کشورهای جهان سوم از طریق سیاستهای خاص در صدد یارگیری طبقاتی و ایجاد پایگاه طبقاتی برای خود هستند. بسیاری از آنها از طریق سیاست‌های مردم‌گرایانه در میان طبقات فرودست به یارگیری طبقاتی پرداخته‌اند بدین سان، پایگاه اجتماعی برای خود دست و پا کرده‌اند (هنی پوش، ۱۳۸۳: ۱۶۷-۲۰۱).

۲. شکاف مرکز - پیرامون و انتخابات در ایران

تأکید بیش از حد دولت‌های گذشته بر مسائل سیاسی- اقتصادی کلان مرکز و عدم توجه جدی به پیرامون باعث غافل شدن از نظارت بر زنجیره سیاسی- اقتصادی در مناطق حاشیه‌ای کشور شد. به گونه‌ای که این وضعیت حاصلی جزء تشدید رشد نارضایتی عمومی در بین حاشیه نشینان و فرودستان جامعه نسبت به سیاست‌های اقتضاء شده در مرکز نداشت. در حقیقت عدم پاسخگویی به نیازها و مشکلات اقتصادی، نخبه‌گرایی و عدم توجه به مناطق حاشیه‌ای و طبقه فرودست، موجب دلزدگی بخش وسیعی از جامعه که طبقه فرودست و طبقه متوسط رو به پایین جامعه را تشکیل داده شد. بخش‌های فقیر نشین شهری و روستایی که عموماً قشر فرودست جامعه را تشکیل می‌دهند پایگاه و جایگاهی مناسبی برای حمایت از احمدی‌نژاد شده بودند که خود را هم‌جنس و حامی این قشر معرفی می‌کرد.

عدم توجه به بخش‌های محروم و اقشار فرودست جامعه باعث شد که اصلاح طلبان نتوانند آنها را در انتخابات با خود همراه کرده، برعکس جناح رقیب بر بزرگ کردن مشکلات سیاسی-اقتصادی و توسعه پایگاه‌های خود در اقشار پایین جامعه از طریق شبکه مساجد، صدا سیما، بسیج و شبکه بازار توانست در جلب آراء آنها در انتخابات موفق عمل کند. اصلاح طلبان در دولت آقای خاتمی و تکنوکرات‌ها در دولت آقای هاشمی بیشتر بر بخش الیت و نخبه جامعه توجه خاص داشته و کمتر متوجه اقشار پایین و فرو دست جامعه که در مناطق پیرامونی حضور داشته، می‌کردند (میری، ۱۳۹۴: ۱۲۹). این اقدامات باعث شد تا بخش مهمی از جامعه که قشر حاشیه‌ای و پیرامونی جامعه را تشکیل داده از سیاست به حاشیه رانده شده و منتظر فرصت برای تاثیر گذاری در روند اداره جامعه باشند. این فرصت برای بازگشت به صحنه سیاسی که عملاً بعد از جنگ و دولت‌های آقای هاشمی و آقای خاتمی از صحنه سیاست به دور بوده با توجه به اقدامات دولت احمدی‌نژاد بین سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ یکبار دیگر محیا شده است.

۳. اقدامات سیاسی- اقتصادی دولت احمدی‌نژاد با توجه به شکاف مرکز-پیرامون

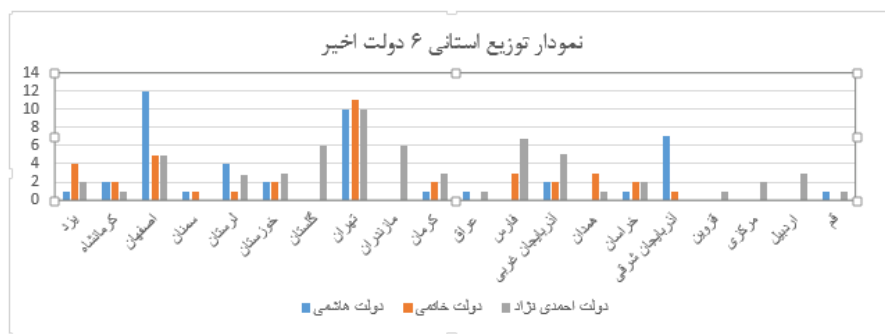
تقسیم منابع اقتصادی و سیاسی در کشورهای در حال توسعه عموماً از سوی دو کارگزار عمده یعنی دولت و بازار صورت می‌گیرد. از منظر جامعه شناسی کارکردی، باز توزیع منابع اقتصادی در کنار کارکرد استخراجی، تنظیمی، نمادین و پاسخ گویی، یکی از پنج کارکرد دولت اصلی دولت به شمار می رود (Almond, 1965: 197). بعد از انقلاب اسلامی عملاً دولتها در توزیع منابع از نقش فعالی برخوردار بوده و تا پایان جنگ حمایت از طبقات مختلف به صورت کوپن و سوبسیدهای انرژی ادامه پیدا کرد. اما با روی کار آمدن دولت هاشمی و توجه به بازسازی و با توجه به خواستگاه اجتماعی وزیران تکنوکرات دولت و تورم بالا در سالهای پایانی عملاً مناطق حاشیه‌ای و پیرامونی بیشترین آسیب را دیدند. در ادامه و روی کار آمدن محمد خاتمی و رویکرد نخبه گرایی و الیت محوری دولت اصلاح طلبان نیز توجه خاص به اقشار تهی دست و مناطق پیرامونی و دور از مرکز در ایران از خود نشان نداد. عملاً با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد نوعی انتقال منابع از مرکز به پیرامون در بعد مکانی و همچنین توجه به اقشار فرودست در مقابل اقشار بالای جامعه مشاهده می‌شود. سیاستهای از قبیل انتخاب وزیران دارای پایگاه اجتماعی پایین، پراکندگی در محل تولد وزیران، اطاعت پذیری وزیران و دوقطبی شدید انتخابات در کنار اقداماتی

اقتصادی نظیر سهام عدالت، مسکن مهر، توزیع بودجه استانها و در سالهای بعد هدفمندی یارانه‌ها نشان از توجه ویژه دولت احمدی‌نژاد در مناطق پیرامونی و حاشیه‌ای برای بدست آوردن پایگاه اجتماعی در بین این طبقات بوده است. که در زیر به مهمترین عوامل سیاسی و اقتصادی اثر گذار بر شکاف مرکز - پیرامون در انتخابات دهم ریاست جمهوری پرداخته شده است.

۴. پایگاه اجتماعی وزیران

بررسی پایگاه اجتماعی نخبگان و رجال سیاسی همواره مورد توجه جامعه شناسان سیاسی برای بدست آوردن اطلاعات ساخت قدرت و موقعیت اجتماعی در جوامع می‌باشد. کوئن در تعریف پایگاه اجتماعی عنوان می‌دارد که « پایگاه اجتماعی به موقعیت و جایگاهی اطلاق می‌شود که فرد در گروه یا مرتبه اجتماعی گروه در مقایسه با گروه دیگر کسب می‌کند و پایگاه اجتماعی و موقعیت اجتماعی فرد حقوق و مزایای شخص را معین می‌کند». نگاهی به خواستگاه اجتماعی وزیران کابینه‌های دولت هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد و بررسی آنها مشخص می‌کند که بیشتر وزیران هاشمی از اصفهان و زادگاه او کرمان بوده و دولت خاتمی نیز بیشتر وزیران از استان تهران بوده‌اند. دولت محمود احمدی‌نژاد که با شعار کابینه ۷۰ میلیونی وارد عرصه شده بیشترین تنوع قومی را دارا می‌باشد هرچند در سالهای اولیه سهم استان تهران پر رنگ بوده ولی به مرور کم‌رنگ شده است. در نمودار زیر درصد توزیع کابینه‌های مختلف را بر حسب استانهای مختلف ارائه شد:

جدول شماره ۱



منبع: (سایت تسنیم: ۱۳۹۲)

بررسی‌ها مشخص کرد که در دولت هاشمی استان اصفهان بالاترین تعداد وزیر را به خود اختصاص داده است. در کابینه اول و دوم خاتمی نیز به ترتیب ۵ و ۶ وزیر از تهران و بعد استان اصفهان و زادگاه او یزد بیشترین وزیر انتخاب شده‌اند. در دولت محمود احمدی‌نژاد سهم استان‌هایی مانند فارس، آذربایجان غربی، گلستان، اردبیل، مازندران، لرستان و خوزستان نسبت به دولت‌های گذشته پررنگ‌تر شده است. نکته مهم توجه دولت احمدی‌نژاد به پیرامون حضور ۶/۴۵ وزیران از ترکمن‌های ایران و استان گلستان و همچنین ۶/۴۵ از استان خوزستان که بعد از جنگ دچار محرومیت قرار گرفته و همچنین ۱۲/۹۰ درصد وزیران از استان و شهرستان‌های استان فارس در کابینه محمود احمدی‌نژاد می باشد. تعیین خواستگاه طبقاتی و پایگاه اجتماعی افراد، روشن ساختن منبع درآمد نخبگان سیاسی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که وزرا قبل از سمت وزارت در جمهوری اسلام در یکی از چهار دسته هیأت علمی، روحانیون، نظامی‌ها و کارکنان عالی رتبه کشوری و معاونین دستگاه‌های مهم کشور مشغول به کار م باشند. وزیرانی که در سمت معاون، قائم مقام و مشاور ویزر یا وزیر بوده‌اند در دولت‌های مختلف آمار مختلفی دارا می‌باشند. به طوری که، دولت پنج و ششم ۸۳/۸۳ در صد، کابینه هفتم و هشتم ۶۹/۹۴ و کابینه نهم محمود احمدی‌نژاد تنها ۳۵/۴۸ درصد دارای سوابق اجرایی مهم در کشور می‌باشند(عیوضی و رضائی، ۱۳۸۹: ۷۳). وزیران پیشنهادی احمدی‌نژاد در مقابل وزیران هاشمی و خاتمی دارای سوابق کاری کم‌رنگ و کم نشان بوده‌اند و از مناطق پیرامونی بودند. برای نمونه وزیرآموزش و پرورش دولت هاشمی محمدعلی نجفی بوده که در دولت میرحسین موسوی و مهدوی کنی نیز وزیر آموزش عالی کشور بود. یا مرتضی حاجی وزیر آموزش و پرورش در کابینه دوم خاتمی وزیر تعاون دولت اول خاتمی نیز بوده است. زاهدی وزیرآموزش و پرورش دولت احمدی‌نژاد تا قبل از وزارت در ریاست دبیرستان در کرمان قرار داشته و سابقه شغلی خاصی دارا نبود. محصولی وزیر کشور احمدی‌نژاد تا قبل از سمت وزارت سمت فرماندار ارومیه و معاون استانداری را در آذر بایجان غربی بعهده داشت. بررسی سوابق وزرای دولت احمدی‌نژاد نشان می‌دهد که خواستگاه اجتماعی اغلب آنها مناطق پیرامونی و از سازمان‌های نظامی - مردمی مثل سپاه پاسداران است. انتخاب وزیران دارای پایگاه اجتماعی محروم و کم نام و نشان در کابینه اول احمدی‌نژاد حاکی از توجه دولت برای بدست آوردن پایگاه طبقاتی وسیع در مناطق پیرامونی دارد.

۵. قطب بندی جامعه

قطبی شدن جامعه سبب توزیع قدرت سیاسی میان گروهها و جلب علاقه و مشارکت آنها و افراد جامعه در صحنه سیاست و سیاستگذاری است. دو قطبی شدید انتخابات دهم ریاست جمهوری احمدی نژاد و میرحسین موسوی سبب شد که شاهد حضور حداکثری (۸۵٪) درصدی در انتخابات باشیم. در انتخابات دهم و در سال ۸۸ چه قبل و چه در زمان مناظرات نامزدهای انتخاباتی، با افشاگری‌های بی‌سابقه در تلویزیون رسمی کشور و باتوجه به سیاست‌های دولت فعلی قطب بندی جامعه به شدیدترین نوع صورت گرفت این دو قطبی سبب شد که شکاف مرکز-پیرامون در این انتخابات چه در بعد مکانی و چه در بعد طبقاتی و اقتصادی بشکل بارزی خودنمایی کند، به طوری که نسبت آرای دو کاندیدای اصلی با توجه به حوزه جغرافیایی و نیز طبقه اقتصادی از تفاوت چشم‌گیری برخوردار بود. موقعیت جغرافیایی در سطح کشور و حتی در سطح شهر، روستا و استان فراز و نشیب بالایی برخوردار بود. مقایسه آرای موسوی و احمدی نژاد در شمال شهر تهران نشان می‌دهد که فاصله رای این دو حداقل سه برابر و حداکثر تا بالای ۱۰ برابر به نفع موسوی می‌باشد و این مساله به خوبی اهمیت شکاف جغرافیایی و اقتصادی را در انتخابات نشان می‌دهد. فاصله ۳ تا ۴ برابر به نفع احمد نژاد در جنوب تهران که در جدول‌های زیر آمده است. چنانچه با فاصله رای موسوی نسبت به احمدی نژاد در شمال تهران مقایسه گردد، شکاف جغرافیایی و اقتصادی بیشتر خود را نشان می‌دهد یعنی در شمال و جنوب تهران تفاوت آرا تا ۴۰ برابر یکدیگر می‌باشد.

جدول شماره ۲. آراء احمدی نژاد در صندوق‌های جنوب شهر تهران

آدرس	آرای احمدی نژاد	آرای موسوی
صندوق ۱۴۶۹ در ۱۷ شهریور	۱۰۵۷	۳۶۷
صندوق ۱۷۲۹ در خیابان پیروزی	۱۰۳۹	۳۴۷
صندوق ۱۸۰۷ خیابان خاوران تهران	۱۶۰۸	۳۸۸
صندوق ۱۹۷۹ مسعودیه تهران	۱۱۳۲	۳۱۲
صندوق ۲۱۱۶ خاوران تهران	۱۳۴۷	۴۷۱
صندوق ۲۳۹۸ خیابان ابوذر تهران	۱۰۰۹	۳۰۹
صندوق ۱۴۷۵ میدان خراسان تهران	۱۰۷۲	۳۵۲

منبع: (امینی، ۱۳۹۱: ۱۲)

علاوه بر شهر تهران هرچه از مرکز و به سمت پیرامون فاصله بگیریم در صد آراء احمدی نژاد نسبت به مرکز و حتی مناطق پیرامونی استانها نسبت به مرکز از سنگینی کفه ترازو به سمت احمدی نژاد حکایت می‌کند. براساس داده رسمی وزارت کشور، در حالی که تفاوت آرای احمدی نژاد و رقیب اصلی او در مراکز استانها تنها کمی بیش از ۶/۵۰ درصد یعنی ۲۲/۶۳ برای احمدی نژاد و ۱۶/۰۴ برای موسوی بوده است، این اختلاف در توابع استان بیش از ۲۲/۵ یعنی ۴۰/۶۸ برای احمدی نژاد اما ۱۸/۱۱ درصد برای موسوی بوده است. اختلاف بیشتر رأی احمدی نژاد با موسوی در توابع استانها در اینجا اولین نشانه از گرایش بیشتر پیرامون به احمدی نژاد بوده است.

جدول ۳. ترکیب کلی آرا از مرکز به پیرامون در انتخابات دهم

کل	کروبی	رضایی	موسوی	احمدی نژاد	
۴۱۱۴۳۸۴	۴۳۰۷۳	۹۵۲۱۱	۲۱۶۶۲۴۵	۱۸۰۹۸۵۵	تهران
۱۰۰	۱/۰۵	۲/۳۱	۵۲/۶۵	۴۳/۹۹	درصد
۱۱۲۹۰۲۱۲	۸۲۵۵۲	۱۹۲۹۷۲	۴۰۵۲۶۳۰	۶۹۶۲۰۵۸	سایر مراکز استانها
۱۰۰	۷۳/	۱۷/۱	۳۵/۹۰	۶۱/۶۶	درصد
۲۳۳۴۵۹۸۸	۲۰۴۲۶۵	۳۶۸۶۰۴	۷۰۱۸۹۸۹	۱۵۷۵۴۱۳۰	توابع استانها
۱۰۰	۸۸/	۱/۵۸	۳۰/۰۶	۶۷/۴۸	درصد
۱۹۵۲۷	۲۴	۶۹	۲۳۶۲	۱۷۰۷۲	صندوقهای سیار
۱۰۰	۱/۲	۳/۵	۱۲/۱۰	۸۷/۴۳	درصد

منبع: (سایت وزارت کشور، داده‌های انتخاباتی دهم).

بطوریکه آمار نشان می‌دهد که احمدی نژاد در تهران ۴۴ درصد، در سایر مراکز استانها ۶۱٫۶۶ درصد، در توابع استانها به ۶۷٫۴۸ درصد و در نهایت در بعضی از صندوقهای سیار، به عنوان پیرامونی ترین مناطق، ۸۷٫۴۳ درصد آراء را به دست آورد (سایت وزارت کشور). دو قطبی به وجود آمده که به باعث تشدید شکاف مرکز- پیرامون در انتخابات دهم ریاست جمهوری شد، خود معلول عواملی از جمله سیاستهای احمدی نژاد از قبیل سهام عدالت، مسکن مهر، اختصاص بودجه عمرانی بیشتر برای استانهای محروم بین سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ و همچنین هدفمندی یارانهها هر چند در سال ۱۳۸۹ عملاً اجرا شد ولی کار هدفمندی و ارائه لایحه به مجلس به سال ۱۳۸۷ بر می‌گردد که همگی در جهت ایجاد پایگاه طبقاتی برای احمدی نژاد در مناطق پیرامونی و حاشیه نشینان اتفاق افتاده است.

۶. مسکن مهر

یکی دیگه از عواملی که نشان می‌دهد چگونه برخی سیاست‌های اقتصادی دولت احمدی‌نژاد منجر به فعال شدن شکاف مرکز پیرامون و تغییر در ساختار اجتماعی جامعه در دوران ریاست جمهوری ایشان شد، مسکن مهر است. طرح مسکن مهر به عنوان یکی از طرح‌های مهم و کلان کشور؛ باهدف تأمین مسکن ارزان قیمت برای اقشار کم درآمد جامعه و کنترل قیمت مسکن در سال ۱۳۸۶ در دولت احمدی‌نژاد کلید خورد. با توسعه شهرنشینی و رشد جمعیت، دغدغه تأمین مسکن مناسب در صدر برنامه‌ریزی‌های دولتمردان ایران قرار گرفت به طوری که کشور در بین سال‌های ۵۰ تا ۵۷ حداقل با کمبود ۳ میلیون مسکن مواجه بوده است (kiafar, 1992:236). پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بر اساس اصل ۳۱ قانون اساسی "داشتن مسکن مناسب، حق هر فرد و خانواده ایرانی شد. از این رو دولت وظیفه داشت با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند به خصوص روستائیان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند". از همین رو بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در راستای تأمین مسکن برای فرودستان در سال ۱۳۵۸ تأسیس شد. تا بتواند به شعارها و اهداف انقلاب در حمایت کردن از طبقات فرودست جامعه، جامه عمل بپوشانند. با این همه کشور در سال ۱۳۸۴ با کمبود حدود ۴ میلیون مسکن در مناطق شهری و روستایی مواجه بود (سند راهبردی طرح جامع مسکن، ۱۳۸۶: ۱۵). در چنین شرایطی دولت مستقر دخالت در حوزه مسکن را در دستور کار قرار داد و متعهد شد که سالانه یک و نیم میلیون واحد مسکونی در سطح کشور بسازد.

مبنای اصلی مسکن مهر بر این امر مبتنی بود که ارزش زمین، بخش قابل توجهی از هزینه تمام شده مسکن را به خود اختصاص می‌دهد. این سهم در کل کشور در دوره ۳۵ ساله برابر ۴۰ درصد و در دهه اخیر برابر ۴۵ درصد بوده است. همچنین در استان تهران این سهم به حدود ۶۰ درصد بالغ می‌شود (داده‌های سایت راه دانا). بنابراین با حذف یا کاهش ارزش زمین از هزینه تمام شده مسکن، می‌توان تا حدود زیادی هزینه مسکن را کاهش داد. بنابراین طرح مسکن مهر بر اجاره بلندمدت زمین جهت احداث مسکن مبتنی بود.

بر اساس این طرح دولت می‌بایست از طریق اعطای تسهیلات و واگذاری زمین و همچنین وام‌های ودیعه مسکن به ساخت واحدهای مسکونی برای طبقات مختلف جامعه بر اساس اولویت مبادرت ورزد.

در سند راهبردی طرح به این موضوع اشاره شده بود که از میان افراد فاقد مسکن، ۵۰ درصد در گروه افراد کم‌درآمد، ۳۵ درصد در گروه دارای درآمد متوسط و ۱۵ درصد در میان افراد پردرآمد قرار داشتند (سند راهبردی طرح جامع مسکن، ۱۳۸۶: ۱۶). در مقابل متقاضی خرید واحد مسکن مهر در صورت احراز شرایط (عدم داشتن واحد مسکونی طی ۸ سال گذشته، مقیم بودن در شهر محل تقاضا حداقل به مدت ۵ سال و...) طی ۴ قسط آورده نقدی خود را متناسب با پیشرفت پروژه می‌پردازد تسهیلات بانک مسکن جهت تکمیل ساخت به پیمانکار پرداخت می‌گردد و پس از تکمیل و تحویل واحد به متقاضی، وام مسکن به خریدار منتقل می‌گردد. درواقع با حدود ۵ میلیون تومان آورده و توانایی پرداخت اقساط ماهیانه حدوداً ۳۰۰ هزار تومان امکان خانه‌دار شدن برای عده زیادی فراهم گردید.

بنابراین همان‌گونه که از اهداف و جزییات اجرایی طرح پیدا بود طبقات پیرامونی و ضرورت حمایت از آن‌ها در تأمین مسکن از اولویت‌های اساسی دولت احمدی‌نژاد محسوب می‌شد. پیرامونی بودن و هدف قرار دادن دهک‌های پایین جامعه (دهک‌های ۱ تا ۵) در روند ساخت و تکمیل واحدها نیز مشهود بوده است به‌طوری‌که واحدهای ساخته‌شده در مناطق روستایی هم از لحاظ وسعت و هم از لحاظ میزان پیشرفت طرح نسبت به مناطق شهری در وضعیت مناسب تری قرار داشتند. در همین زمینه علی‌نیکزاد وزیر مسکن دولت احمدی‌نژاد بیان کرده بود که از ابتدای دولت نهم بالغ بر ۴,۴۰۰,۰۰۰ واحد مسکن مهر در شهرها و روستاها شروع به ساخت شده‌اند که نیمی از این تعداد در روستاها بوده‌اند (مصاحبه وزیر مسکن و شهرسازی با روزنامه ایران، ۱۳۹۲/۲/۲۸).

جدول ۴: درصد بهره‌مندی خانوارهای شهری و روستایی از مسکن مهر

مکان	تعداد خانوار	واحد در نظر گرفته‌شده برای ساخت	درصد بهره‌مندی به جمعیت
شهری	۲۱۱۸۵۶۴۷	۲۲۰۰۰۰۰	۱۰/۳۴
روستایی	۵۷۴۴۶۱۴	۲۲۰۰۰۰۰	۳۸/۲۹

منبع: گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰: ۱۹ و برگرفته از مقاله حاتمی و کلاته

جدول فوق به‌خوبی نشان می‌دهد که درصد بهره‌مندی مناطق شهری از مسکن مهر ۱۰/۳۴ بوده است، درحالی‌که درصد بهره‌مندی مناطق روستایی به‌مراتب بالاتر و در حدود ۳۸/۲۹ بوده است. بدین‌سان، عملکرد دولت در بخش مسکن مهر نشان می‌دهد سیاست‌ها و نگرش‌های کلی دولت در این

بخش تا حد زیادی از حیث مکانی نیز به سمت مناطق پیرامونی و در اینجا به شکل خاص روستاها جهت گیری شده بودند. چنانکه بر اساس برآوردهای جدول بالا، درصد بهره‌مندی جمعیت روستانشین از مسکن مهر تقریباً چهار برابر بیشتر از جمعیت شهرنشین تعریف شده بود.

۷. سهام عدالت

سهام عدالت یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد در آغاز دوران ریاست جمهوری ایشان بوده است که باهدف کاهش شکاف طبقاتی و تحقق عدالت اجتماعی در پرتوی حمایت از اقشار کم‌بضاعت جامعه و ایجاد درآمد دائمی برای خانوارهای ایرانی همچنین کاهش تمرکز مالکیت دولت و انتقال مالکیت به عموم مردم صورت گرفت. (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت). بر اساس این سیاست بخشی از سهام شرکت‌های بزرگ دولتی به اقشار کم‌درآمد واگذار می‌شد؛ در مرحله اول واگذاری، سهام عدالت به برخی از افراد تحت پوشش کمیته امداد، سازمان بهزیستی و روستاییان و عشایر فاقد شغل و کم‌درآمد، رزمندگان بیکار فاقد شغل زنان کارگر سرپرست خانوار، خدام مساجد و ... تقسیم شد و برگه‌هایی به عنوان برگه سهام عدالت نیز به مضمولان طرح سهام عدالت داده شد (مصاحبه مدیرعامل تعاونی‌های سهام عدالت کشور، ویکی پی جی، ۱۳۹۲/۱۰/۲۵).

بدین‌سان، این سهام گروه‌های هدف خود را عموماً طبقات فرودست یا متوسط رو به پایین (۶ دهک پایین) تعریف کرده بود. چنانکه بر اساس اظهار نظرهای رسمی تنها حدود ۶۰ درصد از کل جمعیت یا چیزی بین ۴۰ تا ۴۴ میلیون در کشور از این سهام بهره‌مند شده بودند که عمدتاً در میان همین طیف از طبقات پایین و متوسط رو به پایین قرار داشتند (حاتمی و کلاته: ۱۳۹۳: ۱۲). تأکید و تمرکز دولت در فریه‌تر کردن اقشار پیرامونی تنها شامل وجوه درآمدی فرودستان نبوده است بلکه در بعد مکانی و جغرافیایی نیز معنادار است. چنانکه توزیع سهام عدالت در میان روستانشینان (بالای ۹۵ درصد) به مراتب بیش از شهرنشینان (تقریباً ۵۰ درصد) بوده است. از طرف دیگر دولت در مورد میزان بهره‌مندی استان‌های کشور از سهام عدالت همچنان بر نگاه پیرامونی این سیاست تأکید داشت؛ به‌عنوان مثال، درحالی‌که استان‌های برخوردارمانند تهران با ۲۷/۵ درصد، اصفهان با ۴۲ درصد و قزوین با ۵۱ درصد، کمترین نسبت برخورداری از سهام عدالت را داشتند. در آن‌سو، استان‌های محرومی مانند ایلام با ۷۵

درصد، کهگیلویه و بویراحمد با ۷۹ درصد و خراسان جنوبی با ۸۴ درصد، بیشترین نسبت برخوردار را نشان می‌دادند.

جدول شماره ۵

استان	تهران	اصفهان	قزوین	ایلام	کهگیلویه	خراسان جنوبی
درصد بهره‌مندی	۲۷/۵	۴۲	۵۱	۷۵	۷۹	۸۴

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دولت

۸. تخصیص بودجه به نفع استان‌های محروم

نگاه پیرامونی و تغییر جایگاه مناطق محروم در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های کلان کشور؛ یکی از مهم‌ترین شعارهای دولت احمدی‌نژاد در قبل و بعد از ریاست جمهوری محسوب می‌شد. از همین رو دولت نهم در گام اول تغییراتی اساسی در نظام تخصیص بودجه استان‌های کشور به وجود آورد. به‌طوری‌که برخی مناطق کمتر توسعه‌یافته و به‌نوعی محروم در صدر اولویت‌های تخصیص بودجه دولت احمدی‌نژاد قرار گرفته و در مقابل استان‌های برخوردار و موردتوجه در دولت قبلی به نوعی به محاق رفتند. همان‌گونه که در جداول زیر آورده شده است اولویت‌های ده‌گانه تخصیص بودجه میان استان‌های کشور در دولت‌های خاتمی و احمدی‌نژاد مشمول تغییرات معناداری است. برای نمونه در وضعیتی که فارس و خراسان مرکزی در تمامی ۸ سال دوره خاتمی بین اولویت‌های ۱ تا ۴ تخصیص بودجه قرار داشته‌اند، اما طی سه سال (۸۷-۸۵) در دوره احمدی‌نژاد، از میان ۱۰ اولویت اول تخصیص بودجه خارج شده‌اند. چنین وضعیتی برای تهران و مازندران نیز رخ داده است به‌طوری‌که در دولت خاتمی بسیاری از وجوه بودجه در این دو استان متمرکز بود در دوره احمدی‌نژاد از لیست ۱۰ اولویت استانی تخصیص بودجه خارج شدند.

در مقابل وضعیت برای مناطق محرومی چون سیستان و بلوچستان، لرستان و کهگیلویه در دوره احمدی‌نژاد بهبود یافت به‌طوری‌که سیستان و بلوچستان از ۸ سال دوره خاتمی تنها سه سال در اولویت‌های ۷ تا ۱۰ قرار داشت، بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۰ دو سال در اولویت اول و دو سال در اولویت دوم قرار گرفته است. همین وضعیت در مورد استان کهگیلویه نیز وجود دارد. درحالی‌که این

شکاف مرکز - پیرامون...؛ محمد یوسفی جویباری و همکاران

استان در دوره خاتمی هیچ‌گاه در میان ۱۰ اولویت اول قرار نداشت، در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ بین اولویت ۵ تا ۶ قرار گرفته است. استان لرستان نیز در دوره احمدی‌نژاد در صدر اولویت‌های بودجه دهی کشور قرار گرفت. بنابراین مقایسه داده‌های این جداول نشان می‌دهد تخصیص بودجه در دولت خاتمی تا حدی بر استان‌های برخوردار یا مرکز متمرکز بوده است، اما در دولت احمدی‌نژاد این تمرکز بیشتر به سمت استان‌های کمتر برخوردار یا پیرامون تغییر یافته است.

جدول ۶. میزان دریافتی استان‌ها از محل درآمدهای ملی در دوره خاتمی به ترتیب اولویت

(ارقام به میلیارد ریال)

میزان دریافتی	سال ۱۳۸۴	میزان دریافتی	سال ۱۳۸۳	میزان دریافتی	سال ۱۳۸۲	میزان دریافتی	سال ۱۳۸۱	میزان دریافتی	سال ۱۳۸۰	میزان دریافتی	سال ۱۳۷۹	میزان دریافتی	سال ۱۳۷۸	میزان دریافتی	سال ۱۳۷۷
۴/۸۶۷	خراسان مرکزی	۴/۷۱۸	خراسان	۴/۱۴۲	خراسان	۳/۰۴۸	خراسان	۲/۲۵۵	خراسان	۱/۶۸۳	خراسان	۱/۱۲۰	خراسان	۹۵۴	خراسان
۳/۵۷۶	قارس	۲/۳۰۶	قارس	۲/۸۸۱	قارس	۲/۰۴۰	قارس	۱/۴۳۶	قارس	۱/۱۳۹	قارس	۸۴۶	تهران	۸۱۰	مازندران
۳/۱۵۴	خوزستان	۳/۲۷۶	خوزستان	۲/۵۱۴	تهران	۱/۶۹۵	خوزستان	۱/۲۹۰	خوزستان	۹۲۴	خوزستان	۷۵۶	قارس	۷۰۵	تهران
۲/۶۸۶	مازندران	۲/۴۵۶	مازندران	۲/۳۵۶	خوزستان	۱/۴۸۴	مازندران	۱/۱۲۱	مازندران	۸۵۸	مازندران	۶۱۵	خوزستان	۶۰۷	قارس
۲/۴۷۰	آذربایجان شرقی	۲/۲۳۶	تهران	۲/۰۶۳	مازندران	۱/۳۳۵	کرمانشاه	۱/۰۰۱	کرمانشاه	۷۳۲	کرمان	۵۴۳	کرمان	۵۱۶	خوزستان
۲/۳۹۰	کرمانشاه	۲/۱۸۵	کرمانشاه	۱/۸۱۷	کرمان	۱/۳۳۰	کرمان	۹۱۷	آذربایجان غربی	۷۰۵	کرمانشاه	۵۳۸	مازندران	۴۶۴	کرمان
۲/۳۰۳	کرمان	۲/۱۳۲	آذربایجان شرقی	۱/۷۷۴	آذربایجان شرقی	۱/۲۵۰	آذربایجان غربی	۹۱۱	گیلان	۶۸۹	گیلان	۴۷۳	کرمانشاه	۴۲۷	سیستان و بلوچستان
۲/۲۶۲	آذربایجان غربی	۲/۱۳۰	آذربایجان غربی	۱/۷۵۸	گیلان	۱/۲۴۲	آذربایجان شرقی	۸۸۷	تهران	۶۸۲	آذربایجان غربی	۴۶۰	گیلان	۴۱۲	کرمانشاه
۲/۲۴۳	سیستان و بلوچستان	۲/۰۶۳	کرمان	۱/۷۴۸	کرمانشاه	۱/۱۹۸	گیلان	۸۶۱	لرستان	۶۵۶	آذربایجان شرقی	۴۵۲	آذربایجان غربی	۴۰۴	آذربایجان غربی
۲/۱۶۲	گیلان	۲/۰۲۲	اصفهان	۱/۷۴۴	آذربایجان غربی	۱/۱۳۲	لرستان	۸۴۴	آذربایجان شرقی	۶۲۷	سیستان و بلوچستان	۴۴۰	لرستان	۳۹۵	گیلان

منبع: (حاتمی و کلاته، ۱۳۹۲: ۲۰)

جدول ۷. میزان دریافتی استان‌ها از محل درآمدهای ملی در دوره احمدی‌نژاد به ترتیب اولویت دریافت (ارقام به میلیارد ریال)

سال	میزان دریافتی	سال	میزان دریافتی	سال	میزان دریافتی	سال	میزان دریافتی	سال	میزان دریافتی	سال	میزان دریافتی
۱۳۸۵	خراسان مرکزی	۱۳۸۶	خراسان مرکزی	۱۳۸۷	خوزستان	۱۳۸۸	خوزستان	۱۳۸۹	یلوچستان	۱۳۹۰	یلوچستان
۷/۱۸۳	۶/۷۹۲	۲/۵۸۷	۲/۵۸۷	۶/۷۹۲	۶/۷۹۲	۶/۷۹۲	۶/۷۹۲	۶/۷۹۲	۶/۷۹۲	۶/۷۹۲	۶/۷۹۲
۶/۱۸۰	۵/۷۲۳	۱/۸۲۵	۱/۸۲۵	۱/۸۲۵	۱/۸۲۵	۱/۸۲۵	۱/۸۲۵	۱/۸۲۵	۱/۸۲۵	۱/۸۲۵	۱/۸۲۵
۴/۲۷۶	۳/۹۲۲	۱/۵۸۰	۱/۵۸۰	۱/۵۸۰	۱/۵۸۰	۱/۵۸۰	۱/۵۸۰	۱/۵۸۰	۱/۵۸۰	۱/۵۸۰	۱/۵۸۰
۴/۲۰۳	۳/۸۵۰	۱/۵۲۰	۱/۵۲۰	۱/۵۲۰	۱/۵۲۰	۱/۵۲۰	۱/۵۲۰	۱/۵۲۰	۱/۵۲۰	۱/۵۲۰	۱/۵۲۰
۴/۱۷۱	۳/۸۰۲	۱/۳۹۴	۱/۳۹۴	۱/۳۹۴	۱/۳۹۴	۱/۳۹۴	۱/۳۹۴	۱/۳۹۴	۱/۳۹۴	۱/۳۹۴	۱/۳۹۴
۳/۹۰۹	۳/۵۹۹	۱/۳۴۹	۱/۳۴۹	۱/۳۴۹	۱/۳۴۹	۱/۳۴۹	۱/۳۴۹	۱/۳۴۹	۱/۳۴۹	۱/۳۴۹	۱/۳۴۹
۳/۹۰۵	۳/۴۷۴	۱/۲۵۶	۱/۲۵۶	۱/۲۵۶	۱/۲۵۶	۱/۲۵۶	۱/۲۵۶	۱/۲۵۶	۱/۲۵۶	۱/۲۵۶	۱/۲۵۶
۳/۸۲۰	۳/۲۶۸	۱/۲۰۷	۱/۲۰۷	۱/۲۰۷	۱/۲۰۷	۱/۲۰۷	۱/۲۰۷	۱/۲۰۷	۱/۲۰۷	۱/۲۰۷	۱/۲۰۷
۳/۶۵۱	۳/۱۰۶	۱/۱۹۴	۱/۱۹۴	۱/۱۹۴	۱/۱۹۴	۱/۱۹۴	۱/۱۹۴	۱/۱۹۴	۱/۱۹۴	۱/۱۹۴	۱/۱۹۴

منبع: (حاتمی و کلاته، ۱۳۹۲: ۲۱)

۹. شکاف مرکز - پیرامون فعال یا غیر فعال

شکافهای اجتماعی از حیث فعال یا غیر فعال بودن به سه دسته تقسیم می‌شوند: شکافهای فعال، شکافهای نیمه فعال و شکافهای غیر فعال؛ شکافهای فعال آن دسته از شکافهای اجتماعی هستند که نیروی‌های اجتماعی بر مبنای آن بسیج و تجهیز می‌شوند. شکافهای نیمه فعال هم آن دسته از شکافهای اجتماعی هستند که در مقطعی به صورت فعال و در مقطع دیگر غیر فعال می‌شوند. شکافهای غیر فعال هم شکافهایی هستند که پتانسیل بالفعل شدن را دارند ولی بصورت بالقوه هستند. شکافها ممکن است به صورت متراکم و متقاطع برهم بار شوند. شکافهای متراکم حامی همدیگر و شکافهای متقاطع تضعیف کننده یکدیگر هستند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۰۳). مباحث مورد بررسی نشان می‌دهد که اقدامات دولت‌های گذشته در کنار توجه دولت احمدی‌نژاد به مناطق پیرامونی باعث شکل‌گیری پایگاه اجتماعی برای آن در این مناطق شده است. این اقدامات باعث شده تا بررسی کنیم که آیا شکاف مرکز پیرامون در انتخابات

ریاست جمهوری دهم فعال بوده است؟ در نظام‌های سیاسی که دارای حزب می‌باشند پایگاه اجتماعی دولت از طریق حزب مشخص می‌شود اما در نظام‌های سیاسی همانند ایران که نظام حزبی تثبیت شده‌ای وجود ندارد، عموماً این تأثیرگذاری تا حدی به شکل مستقیم یعنی از طریق انتخابات به دولت منتقل می‌شود. به این معنا، فهم ترکیب آرای انتخاباتی در ایران مکانیزمی در اختیار ما قرار می‌دهد تا از یک سو پایگاه اجتماعی دولت در ایران را تا حدی مشخص نماییم و از سوی دیگر، ارتباط میان عملکرد سیاسی-اقتصادی و پایگاه اجتماعی را تعیین نماییم. بر همین اساس، مقاله بر انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری تمرکز گردید تا در مقام تحلیل این دو موضوع برآید که شکاف مرکز- پیرامون که در دولت‌های قبل به وجود آمد با توجه به سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد باعث بالفعل شدن در قالب انتخابات دهم ریاست جمهوری شده است. این شکاف در آراء مناطق مرکزی نسبت به در حالی که تفاوت آرای احمدی‌نژاد و رقیب اصلی او در مراکز استان‌ها تنها کمی بیش از ۶/۵۰ درصد یعنی ۲۲/۶۳ برای احمدی‌نژاد و ۱۶/۰۴ برای موسوی بوده است، این اختلاف در توابع استان بیش از ۲۲/۵ یعنی ۴۰/۶۸ برای احمدی‌نژاد اما ۱۸/۱۱ درصد برای موسوی بوده است. اختلاف بیشتر رأی احمدی‌نژاد با موسوی در توابع استان‌ها در اینجا اولین نشانه از گرایش بیشتر پیرامون به احمدی‌نژاد بوده است. در حالی که اختلاف رأی احمدی‌نژاد با موسوی در مراکز استان‌ها کمی بیش از ۱۶ درصد است، این اختلاف رأی در توابع استان‌ها بیش از ۳۷ درصد بوده است. وجوه پیرامونی آرای احمدی‌نژاد نه تنها در مناطق پیرامونی، بلکه در میان طبقات پیرامونی یا طبقات پایین و متوسط رو به پایین نیز تا حدی برجسته بوده است. برآوردها نشان می‌دهد که آراء احمدی‌نژاد در بعد جغرافیای بیشتری آرای پیرامون و در بعد طبقاتی و اقتصادی نیز بیشترین آراء را در بین اقشار فرودست جامعه بوده است. اقدامات و عملکرد دولت احمدی‌نژاد باعث شد تا بتواند پایگاه وسیعی را در بین اقشار فرودست جامعه و مناطق حاشیه نشین بدست بیاورد و در رفتار انتخاباتی این طبقه اثر گذار باشد. و از آنجا که رفتار انتخاباتی ایرانیان معمولاً بر اساس عواطف و احساسات شکل می‌گیرد. بسیج سیاسی و شکل دادن به آراء و عقاید طبقات محروم و فرودست آسان می‌شود. بین سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ این شکل در جامعه ایران بروز و ظهور کرد و در انتخابات ریاست جمهوری دهم در قالب شکاف مرکز- پیرامون بشکل بارزی خودنمایی کرد.

نتیجه گیری

در ابتدای مقاله به اثر گذاری شکافهای اجتماعی بر انتخابات و رفتار انتخاباتی پرداخته شده است. و آوردیم که در جوامعی که از نظام تحزب برخوردار نیستند شکافها اثر خود را به صورت مستقیم بر مشارکت سیاسی و بخصوص انتخابات عرضه می کنند. سپس به بررسی اثر گذاری شکافها در انتخابات ایران اشاره شد و مشخص شد که با توجه به رفتار انتخاباتی در انتخابات دهم ریاست جمهوری می توان عنوان کرد که مهمترین شکاف که باعث اثر گذاری در انتخابات و رفتار انتخاباتی شد شکاف مرکز- پیرامون در ایران است. شکاف مرکز پیرامون که پیشتر توسط والرشتاین در سطح کلان مطرح شد در سطح کشوری نیز حکایت از تجمع ثروت و قدرت در مرکز و انزوای پیرامون دارد. این شکاف هرچند در ایران به صورت بالقوه بوده ولی اقدامات دولت‌های پیشین و همچنین توجه احمدی‌نژاد به پیرامون و فرودستان باعث شد تا در انتخابات ریاست جمهوری به صورت بالفعل در آید. الیت محوری و عدم توجه جدی در دولت‌های گذشته در کنار اقداماتی نظیر انتخاب وزیران از پایگاه اجتماعی پیرامونی، دو قطبی سازی جامعه و سوار شدن بر موج حامی فرودستان و اقداماتی نظیر دادن سهام عدالت، احداث مسکن مهر و اختصاص بودجه عمرانی بیشتر به مناطق پیرامونی باعث شکل گیری پایگاه اجتماعی قوی در مناطق پیرامونی برای احمدی‌نژاد گردید. به صورتی که داده‌های انتخاباتی و همچنین نمودار پایگاه وزارت کشور نشان می‌دهد وزرا در دولت احمدی‌نژاد بیشترین پراکندگی قومیتی را دارا می‌باشند همچنین داده‌ها نشان می‌دهند که آرا احمدی‌نژاد بجز در تهران مرکز در سایر استانها از رقبای خود پیشی دارد. علاوه بر این نسبت مرکز به پیرامون چه در سطح کشور و چه در سطح استان به نفع احمدی‌نژاد بوده و در بعد طقاتی نیز داده‌ها نشان می‌دهد که رأی احمدی‌نژاد در مناطق فرودست از رقبای خود بیشتر است. براساس تحقیق موجود و برحسب مستندات انتخابات دهم ریاست جمهوری متأثر از شکاف مرکز - پیرامون در ایران بوده و رفتار انتخاباتی نیز متأثر از همین شکاف در انتخابات بوده است.

تعارض منافع:

بنابر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- امینی، پرویز (۱۳۹۱). تحلیل جامعه شناختی آراء احمدی نژاد و موسوی، ویژه نامه ۹ دی. بشیریه، حسین (۱۳۹۲). جامعه شناسی سیاسی و نقش نیروهای اجتماعی، چاپ بیست سوم، تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین، قاضیان، حسین علی (۱۳۸۰). «بررسی تحلیلی مفهوم شکاف‌های اجتماعی»، فصلنامه فلسفه و حکمت، تابستان، شماره ۳۰.
- پایگاه اطلاع رسانی دولت: www.dolat.ir
- حاتمی، عباس و کلاته، فرزاد (۱۳۹۲). «دولت در پیرامون و پیرامون در دولت؛ سندروم‌های درهم تنیدگی اقتصاد، سیاست و اجتماع»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره اول، بهار، ۶۳.
- خبرگذاری تسنیم، شهریور ۱۳۹۲: کد خبر ۲۴۵۱۰۱
- خبرگزاری راه دانا، مسکن مهر خوب است یا بد؟، تاریخ انتشار ۱۳۹۴/۱۰/۲۹
- داده‌های انتخاباتی نهم وزارت کشور ۱۳۸۴: www.moi.ir
- دورماگن، ژان-ایو و موشار، دانیل (۱۳۸۹). مبانی جامعه شناسی سیاسی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر آگه.
- سعیدی، عباس و همکاران (۱۳۸۷). دانشنامه مدیریت شهری و روستایی در کشور. تهران: وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- سند راهبردی طرح جامع مسکن، ۱۳۸۶: ۱۵
- عیوضی، محمد رحیم، رضانی، ملیحه (۱۳۸۹). «بررسی پایگاه اجتماعی هیأت وزیران در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، زمستان، شماره ۲۴.
- مصاحبه مدیرعامل تعاونی‌های سهام عدالت کشور، ویکی پی جی، ۱۳۹۲/۱۰/۲۵
- مصاحبه وزیر مسکن و شهرسازی با روزنامه ایران، ۱۳۹۲/۲/۲۸.
- میری، مجتبی (۱۳۹۴). بررسی تحلیل الگوی انتخابات در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- هنی بوش، ریموند (۱۳۸۳). مقایسه سیاست آزادسازی اقتصادی در مصر و سوریه؛ اقتصاد سیاسی گذار در خاورمیانه، ترجمه حسن حکیمیان و زیبا مشاور، تهران: کویر.

ب) منابع انگلیسی

- Almond, G. (1956). "*Comparative Political Systems*", The Journal of Politics, Vol. 18, N. 3.
- Kiafar, A. (1992). "*Urban & policies in post-Revolutionary Iran*", in Modern Capitalism and Islamic Ideology in Iran, Edited by C. Bina & et al, London: Mac Milan Press.
- Magiran Franklin, M. (1978). "The **Decline of Cleavage Politics in: Electrol change**". Newyork: Cambridge UniveMarshal, G. (1996). **Oxford Concise Dictionary of Sociology**. Oxford: Oxford University Press.
- Manzaco, J and Brooks, C. (1999). **Social Cleavages and Politics change**, Oxford: Oxford University Press.